



جو مپا لاهیری به کسی مربوط نیست

ترجمہی گلی امامی

- جهان نو -

فهرست

بخش اول

- ۱۱..... سرزمین نامأنوس
- ۷۵..... جهنم - بهشت
- ۱۰۱..... انتخاب محل سکونت
- ۱۴۹..... حسن نیت تمام
- ۲۰۳..... به کسی مربوط نیست

بخش دوم: هما و کوشیک

- ۲۵۷..... یکبار در زندگی
- ۲۹۱..... پایان سال
- ۳۳۷..... ساحل نجات

سرزمین نامانوس

پس از مرگ مادر روما^۱، پدرش خود را از سمنس در شرکت دارویی بازنشسته کرد، شرکتی که چندین دهه در آن کار کرده بود و به سفر در اروپا پرداخت، قاره‌ای که تاکنون ندیده بود. سال گذشته به فرانسه، هلند و اخیراً ایتالیا سفر کرده بود. این سفرها تورهای مسافرتی‌یی بودند (برنامه‌ریزی شده توسط آژانسی مسافرتی)، با همسفری افرادی ناشناس، سوار بر اتوبوس در جاده‌های شهرهای گوناگون، و وعده‌های غذا و موزه‌های از پیش مشخص شده. هر بار دو، سه و گاه تا چهار ماه در سفر بود. در طول سفر روما از او خبری نداشت. هر بار که پدرش به یکی از این سفرها می‌رفت، روما برنامه‌ی پروازهای چاپ شده‌ی او را با آهن‌ربایی روی در یخچال نگاه می‌داشت، و روزهایی که قرار بود پرواز کند، اخبار را تماشا می‌کرد تا مطمئن شود هواپیمایی در جایی از جهان سقوط نکرده باشد.

هرازگاه کارت‌پستالی به سی‌یاتل^۲ می‌رسید؛ شهری که روما، آدام و پسرشان آکاش^۳ در آن می‌زیستند. کارت، معمولاً تصویری بود از نمای کلیساها، چشمه‌ها، میدان‌های پرجمعیت، یا سقف‌های سفالینی که رنگ‌شان